

نویسنده: پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-03-16»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

چگونه ایران و چین صفحه شطرنج جنگ را شکل دادند

How Iran and China shaped the war chessboard

واکنش دوگانه چین به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، منعکس کننده یک
استراتژی ژئوپلیتیکی و اقتصادی گسترده تر است که از میدان نبرد تا سیستم
مالی جهانی امتداد دار

*China's dual-track response to the US–Israeli war on Iran reflects a
broader geopolitical and economic strategy that stretches from the
battlefield to the global financial system.*



Photo Credit: The Cradle

چین رسماً از طریق یک سخنگوی دیپلماتیک و یک سخنگوی نظامی، در دو مسیر موازی به جنگ اپستین سندیکا - یا جنگ آمریکا و اسرائیل - علیه ایران پاسخ می‌دهد.

ترجمه: چین این جنگ را هم به عنوان یک تنش شدید سیاسی/دیپلماتیک و هم یک تهدید نظامی می‌بیند.

سخنگوی نظامی چین، یک سرهنگ ارتش آزادی بخش خلق (PLA)، با استعاره صحبت می‌کند. او بود که صریحاً گفت که ایالات متحده "معناد به جنگ" است، با تنها ۲۵۰ سال تاریخ و تنها ۱۶ سال صلح.

او به وضوح ایالات متحده را به عنوان یک تهدید جهانی قرار می‌دهد. و به وضوح، همچنین به عنوان یک تهدید اخلاقی (ایتالیک از من است).

شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، قاطعانه بر ایجاد ارتباط پایدار بین مارکسیسم و کنفوسیوس میسر متمرکز است.

سهم کلیدی کنفوسیوس در تفکر سیاسی، استفاده دقیق از زبان است. تنها کسی که با استعاره‌های دقیق و وزن اخلاقی صحبت می‌کند، قادر به حکومت بر یک ملت است.

بنابراین چین با دقت در حال توسعه یک انتقاد اخلاقی و معنوی مداوم از جنگ انتخابی آمریکا علیه ایران است. با تأکید بر اینکه چگونه این حمله، حمله‌ی ملتی است که قطب‌نمای اخلاقی خود را از دست داده است.

جنوب جهان کاملاً پیام را درک می‌کند.

علاوه بر این، حقایق در میدان نبرد نشان می‌دهد که چگونه چین نیز قوانین جنگ در ایران را تغییر داده است.

شبکه‌ی ایران اکنون کاملاً به سیستم ماهواره‌ی BeiDou متصل است. این توضیح می‌دهد که چگونه ایران اکنون با دقت حمله می‌کند و هر حرکت توسط اتحاد ایالات متحده و اسرائیل با یک دیوار دیجیتال با فناوری چین (بیش از 40 ماهواره‌ی BeiDou در مدار) روبرو است. این امر دقت عالی موشک‌های ایران و افزایش مقاومت در برابر پارازیت را توضیح می‌دهد.

چین به عنوان بخشی از مشارکت جامع استراتژیک 25 ساله خود، رادارهای دوربرد را که با سیستم‌های ماهواره‌ای ادغام شده‌اند، به ایران نیز ارائه داده است. نکته‌ی کلیدی، زمان پاسخ بسیار کوتاه‌تر ایران در مقایسه با جنگ 12 روزه است.

روسیه در مسیری موازی کمک کرده و به ایران اجازه داده است تا آنچه را که روسیه در اوکراین در مورد سیستم‌های غربی مانند پاتریوت و IRIS-T آموخته است، به طور گسترده اعمال کند. این فقط مربوط به تاکتیک‌های اشباع انبوه پهپاد نیست؛ این کشور در حال یادگیری روش روسی هماهنگ کردن دسته‌های پهپاد با رگبار موشک‌های بالستیک است. این دقیقاً همان چیزی است که در آخرین مراحل عملیات وعده واقعی ۴ تأثیر مخربی دارد.

بازی گو: همه چیز در مورد پتروویوان است

حالا بیایید روی ترفند مهم تنگه هرمز تمرکز کنیم. حرکت کلیدی این است که ایران فقط به تانکرهای نفتی که محموله آنها با پتروویوان تسویه شده است، اجازه ترانزیت می‌دهد. نه دلار. نه یورو. فقط یوان.

در واقع، چین پیش از این در دسامبر ۲۰۲۲، زمانی که پکن از کشورهای نفتی شورای همکاری خلیج فارس (GCC) دعوت کرد تا نفت و گاز را در بورس شانگهای معامله کنند، شروع به پایان دادن به سیستم برتون وودز/پترودلار کرده بود.

حالا، همه موارد فوق را با پانزدهمین برنامه پنج ساله چین که به تازگی در پکن مورد بحث و تصویب قرار گرفته است، ترکیب کنید.

درباره یک دیدگاه عمیق سیستمی صحبت کنید.

به روشی کاملاً جامع، برنامه‌ریزان پکن رشد تولید ناخالص داخلی را چهار درصد تعیین کرده‌اند؛ اقتصاد دیجیتال به ۱۲/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی می‌رسد؛ رامحل‌های انرژی سبز به ۲۵ درصد می‌رسد؛ کیفیت آب‌های سطحی به ۸۵ درصد می‌رسد؛ سیلی از اختراعات با ارزش بالا؛ همه این‌ها و موارد دیگر، به طور مساوی مطرح شده‌اند، با اهداف سختی که باید به آن‌ها دست یافت و شاخص‌های الزام‌آور تا سال ۲۰۳۰.

این بدان معناست که چینی‌ها با اقتصاد، امنیت انرژی، محیط زیست، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی طوری رفتار می‌کنند که گویی اعضای یک بدن سالم هستند. اینگونه است که شهرنشینی باعث افزایش بهره‌وری می‌شود: سرمایه‌گذاری زیاد در تحقیق و توسعه، باعث افزایش اختراعات می‌شود؛ اختراعات، اقتصاد دیجیتال را تقویت می‌کنند؛ و رامحل‌های انرژی سبز، استقلال استراتژیک را تقویت می‌کنند.

آخرین برنامه پنج ساله به طور قطعی نشان می‌دهد که چگونه چین با دقت در حال برنامه‌ریزی برای رهبری آینده فناوری است. و این فراتر از سال ۲۰۳۰، تا اواسط قرن، ادامه دارد.

جای تعجب نیست که نابودی دلارهای نفتی نقش کلیدی در این فرآیند تغییر سیستم فعلی روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. ایران اکنون با جایگزینی پتrodلار با پترویوان در حساس‌ترین گلوگاه کره زمین که 20 درصد از کل نفت جهان از آن عبور می‌کند، آن را به چین پیشنهاد می‌دهد.

بازی ایران نظامی نیست؛ بلکه از نظر مالی (ایتالیک از من است) هسته ای است. چیزی که همه چیز را آسان‌تر می‌کند این است که ایران در حال حاضر مدلی را برای بقیه کشورهای جنوب جهان ارائه می‌دهد: تقریباً 90 درصد از صادرات نفت خام تهران از طریق سیستم پرداخت CIPS به یوان تسویه می‌شود.

کشورهای جنوب جهان ممکن است در نهایت به مدل بسیار ساده‌ای پایبند بمانند. تهران نمی‌گوید تنگه هر مرز مسدود شده است. این تنگه فقط برای سند یکای اپستین متخاصم - ایالات متحده - و نوچه‌هایش که با دلارهای نفتی تجارت می‌کنند، مسدود شده است. خطوط کشتیرانی به صورت بلادرنگ به فیلترهای سیاسی تبدیل می‌شوند. همزمان با مهاجرت کشورهای جنوب جهان به یوان نفتی، دلارهای نفتی هژمونیک - از سال ۱۹۷۴ - از بین می‌روند.

اکنون، هر تاجری در کره زمین می‌داند که دلارهای نفتی چگونه کار می‌کنند. پس از شوک نفتی ۱۹۷۳، شورای همکاری خلیج فارس و اوپک در سال ۱۹۷۴ توافق کردند که نفت فقط می‌تواند با دلار آمریکا معامله شود.

صادرکنندگان نفت لزوماً باید سود دلاری خود را دوباره به اوراق قرضه و سهام خزانهداری ایالات متحده بازگردانند. این امر نقش دلار آمریکا را به عنوان ارز ذخیره تقویت می‌کند؛ سرمایه‌گذاری‌های فناوری ایالات متحده را تأمین مالی می‌کند؛ مجتمع صنعتی-نظامی و جنگ‌های ابدی آنها را تأمین مالی می‌کند؛ و از همه مهمتر، عملاً بدهی‌های - غیرقابل پرداخت - ایالات متحده را تأمین مالی می‌کند. چین، روسیه و ایران، به عنوان اعضای بریکس، اتفاقاً در خط مقدم پیشبرد سیستم‌های پرداخت جایگزین هستند؛ و نکته مهم این است که این شامل دور زدن دلار نفتی نیز می‌شود.

بنابراین، این چیزی فراتر از کنترل نفت است - منطق ادعایی پشت "گشت و گذار" آشفته و برنامه‌ریزی نشده (اصطلاحات ترامپ) به ایران.

از نظر عملی، واقعیت‌های موجود در حال حاضر نشان از شکست بزرگ دارند. این ضربه متقابل است که در سطح کاملاً جدیدی قرار دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سان ترو می‌رود

تسلیح تنگه هرمز، سان تزو است که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (IRGC) اصلاح شده است. هم یک کریدور ارتباطی - تنگه هرمز - و هم یک ارز - یوان - اکنون سلاح‌های تخریب امپریالیستی هستند. چه کسی به بمب هسته‌ای نیاز دارد؟

آنچه در خطر است، کنترل سیستم مالی جهانی است - بسیار فراتر از سال 2030، تا اواسط قرن و فراتر از آن. چیزی که ما در حال تماشای آن هستیم، بازی شطرنج ایرانی‌ها است - که در آن مهارت دارند - اما با عناصری از ویچی چینی ("Go" به انگلیسی).

گو ارگانیک است. وقتی سنگ‌های کوچک مورد استفاده در بازی به هم متصل می‌شوند، شکل و کنترل بلندمدت را در کل صفحه شطرنج ایجاد می‌کنند. در مورد ما، صفحه شطرنج ژئوپلیتیک/ژئواکونومیک همه چیز در مورد موقعیت‌یابی، صبر، جمع‌آوری مزایا و مدیریت استراتژی است.

این "راز" این است که چرا جنگ علیه ایران اکنون به چین حرکت تعیین‌کننده‌ای ارائه می‌دهد. پکن سال‌هاست که با صبر بی‌نهایت در حال شکل‌دهی به صفحه شطرنج است: ایجاد مجموعه‌ای از نهادهای چندجانبه؛ ایفای نقش کلیدی در بریکس و سازمان همکاری شانگهای؛ ساخت جاده‌های ابریشم جدید (BRI)؛ سرمایه‌گذاری در سیستم‌های جایگزین حل و فصل؛ تقویت دیپلماسی خود.

گو بسیار منطقی است. اگر صفحه شطرنج را به درستی شکل دهید، شکست نخواهید خورد. بازی خودش بازی می‌کند. جایی که اکنون هستیم. و به همین دلیل است که سخنگوی امپراتوری، به همراه چاپلوسان، توانمندسازان و نوچه‌هایش، مبهوت و مبهوت است: زندانی باتلاق غرور خود

----- **با تقدیم احترام «2026-04-01»**

